

## « تعدد زوجات در قانون اسلام »

چون در مسئله تعدد زوجات برخی از بانوان فاضله و دانشمند و آزادیخواه روزگار ما آنقدر در باره تعدد زوجات جد و جهد دارند که آنرا الغاء شده میپندارند و احساسات و عواطف فراوانی بخرج داده‌اند و سیدهند و چه بسا هم خود را مظلوم جلوه داده‌اند بطوریکه برای عده‌ای اسر مشتبیه و دیگرگون شده و احياناً نظر مقامات عالی و شخصیت‌های برجسته و ممتاز هم متوجه بآنها گردیده و روزی خدای نخواستہ امکان اظهار تمایل بالغاء زوجات و متعه را بنمایند.

بنا بر این کسانی باسلام ایراد میکنند که برای چه یک مرد قادر و توانا باشد چند زن عقدی دائم و عده زیادی متعه بگیرد و آنها را در عرض و هم کفو هم نگاهداری کند در صورتیکه این عمل جز بزیان زن و فرزندان خانواده و جامعه بشری خیری در بر نخواهد داشت که اسید است در بحث فلسفه تعدد زوجات بخودی خود این مطلب روشن و واضح و سبرهن گردد

ولی مسئله و مطلب متعه یا عقد منقطع از نظر تاریخی قصه و داستان بسیار شیرین و دلپذیرتری دارد :

خلیفه دوم بر خلاف نص صریح اسلام تنهاروی اجتهاد شخصی خود دستور الغاء متعه را صادر نمود و قانونی را که حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند تبارک و تعالی آورده بود و تا زمان آن حضرت مورد عمل و لازم الاجراء اصحاب بوده بیکباره تحریم کرده است :

« متعتان محللتان فی زمن رسول الله فانا احرمهما و اعاقب علیهما »

علمای اهل سنت نیز برای تصحیح فرمان پیشوای خود عذرهای بدتر از گناه آورد تلاش‌های مذبوحانه و قلم‌فرسائی‌های بی منطق و بی اساسی را عنوان کرده‌اند :

که روی این اصل فکر نمیکنم بر احدی پوشیده باشد که اختلاف فیما بین برادران شیعی و سنی در مورد مسئله متعه یا عقد منقطع از همین منبع سرچشمه گرفته است که پیش از این سخن را جائز نمیشمارم و علمای اهل سنت بطور یقین باید در مسئله متعه تجدید نظر را واجب بر خود شمردند و از تعصبات بی حاصل خود دست بکشند و گروه سنی را از سهلاکه نهی متعه که موجب نفاق مسلمین شده است نجات بخشند.

و زنان و مردان مسلمانی که در این برهه از زمان طرفداری از الغای تعدد زوجات و عقد انقطاع سیمانند دانسته یا ندانسته از علمای متعصب سنی مذهب پیروی کرده و با دست خود تیشه بریشه مذهب و ولایت خود خواهند زد.

منظور من هرگز این نیست که احساسات کسی را علیه زمان آزادپخواه و اقلیت های مذهبی تحریک کنم و یا بر دشمنی و شکاف عمیقی که همواره بین برادران سنی و شیعی ما وجود داشته بیافزاید بلکه منظور اینست که بدین وسیله برادران مسلمان و شیعه را از خواب غفلت بیدار نموده تا همانطوریکه در بالا اشاره گردید در عقیده و سرام خود تجدید نظر نمایند. و بعضی از نویسندگان افراطی برای آنکه هم جنبه دینی و مذهبی و هم جنبه تجدد خواهی خود را حفظ کنند عقاید و قوانین اسلامی را با جنجال و غوغاهای زودگذر روز تطبیق دهند در مسئله تعدد زوجات گاهی اصل تشریح آنرا بعنوان اصل اولی انکار کرده جنبه سوقتی و استثنائی بآن داده اند و گاهی هم دیده شده مصلحت تشریح آنرا تنها بزبان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفا راشدین که همواره با بیگانگان در جنگ و ستیز بودند اختصاص داده و در زمانی مانند زمان ما مصلحت تعدد زوجات را منکر شده اند و چنین استدلال نموده اند که :

«تعدد زوجات هیچگاه بعنوان اصل اولی و قانون همیشگی جعل و تشریح نشده زیرا اسلام برابر آیه شریفه ۳ از سوره نساء .

« فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنى و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة » .

تعدد زوجات را در صورتی جائز میدانند که خوف و ترس از عدم رعایت عدالت در میان نباشد و چون اجرای عدالت و رعایت داد گری در برقراری حقوق راجع به زنان هیچ گاه ممکن نیست و آیه شریفه ۱۳ از سوره نساء میفرماید :

« و لئن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة » .

یعنی هرگز قادر نیستند بین زن ها عدالت واقعی را رعایت کنید گرچه بشدت خواهان آن باشید. پس لازم است بطور کلی از آنها سلب علاقه نکرده ابراز بی سلیبی ننمائید و آنها را مانند موجودات آویخته و معلق قرار ندهید

و آنرا با کلمه (لن) بطور ابد و همیشه نفی میکنند از این جهت میتوان گفت در آیه سوم که تعدد زوجات بشرط رعایت عدالت جائز شمرده شده از باب تعلیق بدین حال بوده است .

ولی نظر باینکه ممکن است موارد استثنائی از قبیل جنگ و فراوانی زن ها از سردها برای جامعه پیش آید که چنانچه بخواهد هر سردی یکزن داشته باشد زیان و آفری از آن نصیب جامعه گردد در چنین موارد باینکه از نظر اسلام اجرای عدالت و رعایت حقوق مربوط بزنان ممکن نیست در عین حال اسلام از باب دفع ضرر بیشتر با ارتکاب ضرر سبکتر تعدد زوجات را جائز شمرده است .

من بود بیانی که نویسنده گان و دانشمندان درباره تعدد زوجات از نظر اسلام کرده

و در این میانه زنان آزاد بخواه و مستجدد از آن پیروی نموده و اصل تشریح آنها از باب تعلیق بمحال پنداشته اند و از راه تشکیل مجالس و محافل انجمن ها و مصاحبه های مطبوعاتی بقول خود داد مظلومیتشان را بگوش همگان رسانیده اند!

من با آن هائی که از سبانی دینی و فقه اسلامی اطلاعات کافی و شافی و وافی در دست ندارند و تنها از دور جملاتی از قبیل تعلیق به محال قانون استثنائی بگوششان خورده کاری ندارم.

ولی تعجب از اینست که چگونه دانشمندان سنی مذهب و سایر افراد بنام ما در این مسئله واضح اشتباه باین بزرگی را مرتکب شده اند در مقام معلق ساختن جواز تعدد زوجات با سر محال که عبارت باشد از اجرای عدالت نیست بلکه مفاد و مضامین آنها چنین میباشد.

« شما میتوانید از زنان دلخواه تان دو تا سه تا چهار تا ازدواج کنید ولی بشرط آنکه بتوانید عدالت را در باره حقوق آنها از قبیل حق مصاحبت حق هم بستری - نفقه و امثال ذالک رعایت کنید و گرنه بایستی بیکی اکتفاء نمائید » .

ولی این نکته نیز باید معلوم باشد که چنانچه شما بخواهید عدالت را بمعنی واقعی کلمه که حتی از نظر علاقه و محبت قلبی بین آنها رعایت کنید چون از اختیار شما بیرون است و هیچگاه برای شما مقدور و ممکن نخواهد بود از این جهت لازم نیست. آنچه که بر شما فرض و لازم است اینست که آثار آن علاقه ها و بی مهری ها در محیط زندگی خانوادگی شما ظاهر نشود که از بعضی از آنها بطور کلی ابراز بی سلی و قطع رابطه کنید و در نتیجه آنها مانند موجودات آویخته و معلق نه از حقوق شوهرداری و سزاوجت و نه از مزایای بی شوهری بهره مند باشند»

بنابراین عدالتی که در آیه اول تشریح تعدد زوجات بان معلق شده عدالت در رعایت حقوق راجعه بازدواج مانند حق هم خوابگی در هر چهار شب یکمرتبه حق هم بستری در هر چهار ماه یکمرتبه - غذا - مسکن - لباس و امثال اینها است و غیر ممکن نیست.

و اما عدالت که در آیه دوم با کلمه (لن) نفی شده بمعنی واقعی کلمه است که شامل عدالت در محبت و علاقه قلبی نیز هست و رعایت این معنی از عدالت در مشروعیت تعدد زوجات شرط نیست.

شاهد بر این معنی در خود آیه دو چیز میباشد.

اول - در آخر آیه دوم « فتذروها کالمعلقه » بعد از آنکه خداوند رعایت عدالت مطلقه و به معنی واقعی کلمه را از قدرت و استطاعت بیرون دانست فرمود حال که چنین است پس لا اقل در برقراری حقوق راه ستم پیش نگیرند آنها را از راه محروم ساختن از حقوق مربوط بزناشویی و زندگی و خانوادگی مانند موجودات آویخته و معلق و سرگردان سازند که نه از حقوق شوهرداری بهره مند باشند و نه از مزایای بی شوهری

دوم آنکه مستهجن بودن امر به تعدد در آیه اول چنانچه جواز تعدد زوجات مشروط به عدالتی باشد که هیچ گاه رعایت آن ممکن نیست و امر به تعدد نکاح: « فانكحوا ما طاب لكم » از باب تعلیق به محال باشد در این صورت چنین کلامی لغو و مستهجن خواهد بود و حال آنکه یکفرد مسلمان نمیتواند چنین نسبتی را بخدای قادر و دانا صحیح و شایسته بداند و لذا این توجیه تعلیق به محال تا جائی قادر است که افرادی مانند ابن ابی العوجا آنرا وسیله اشکال بر قرآن کریم قرار داده است که ذکر قول مشارالیه را در اینمقال نمی نمایم شکی نیست این معنی از عدالت که در مشروعیت تعدد زوجات دخیل است برای بسیاری از مردم ممکن است همچنانکه مشاهدات روزمره در زندگانی افرادی که پای بند بدینند و دارای چند زن هستند اسکان این معنی را روشن و مدلل میسازد این بود نظر اسلام درباره تعدد زوجات و اما فلسفه آن:

از جمله مسائلی که هیچگونه اختلافی در آن وجود ندارد و تمام قبایل و طوایف مختلف مسلمین آنرا امری حتمی و مسلم و بدون اشکال میدانند مسئله تعدد زوجات از نظر اسلام است تعدد زوجات همواره در میان مسلمین از زمان حضرت محمد بن عبدالله پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تا کنون رایج بوده طبقات مختلف مسلمین صرفنظر از جنبه اعتقادی و نظری عملاً آنرا در طول تاریخ زندگی خود تحقق بخشیده اند.

اولین کسیکه مشروعیت تعدد زوجات را عملاً به مسلمین آموخت شخص پیغمبر اسلام بود که با گرفتن زن های متعدد درس تعدد زوجات را ب مردم تعلیم داد و مسلمین هم چه در زمان آنحضرت و چه بعد از آن سنت دینی را با حفظ شرایط بکار بسته و عملی نموده اند در مدارك زنده اسلامی غیر از اجماع و سیره عملی و شواهد و قرائن و اماره دلائل روشنی بر مشروعیت تعدد زوجات وجود دارد که جای هر گونه ابهام و شبهه و شک و تردیدی راجع باین موضوع را از بین میبرد.

و از آنجمله است آیه سوم از سوره نساء:

« فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا

فواحدة » .

از زنان هر چه خوش دارید و مورد علاقه شما قرار گرفت دو یا سه تا - چهار تا میتوانید ازدواج کنید ولی چنانچه از رعایت عدالت بیم دارید فقط یکزن میتوانید بگیرید .

بجمله آنکه در تأیید این معنی و بیان شرایط و حدودش در کتب فقه و حدیث روایات و احادیث و افری بچشم میخورد که ما از ذکر آن برای پرهیز از طناب کلام و درازا شدن مطلب خودداری نموده و با پایان دادن بحث خود میگوئیم از نظر منطق اسلام برای یکمرد جائز است تا چهار زن بطور عقد دائم تزویج بنماید و پیش از آن در یکزمان جائز نخواهد بود و امیدوارم این مسئله ضروری بیشتر مورد بحث و تحقیق همه کسانی واقع گردد که باسلام علاقه مندند .